



سپردن کامل قلمرو توصیف به علم، دین را در تعامل با آن منفعل می‌کند

نقطه ثقل ادعای علوم بر روی داعیه شناخت موضوع و توصیف صحیحی است که از آن به دست می‌دهند و از همین جا احکامی را صادر و بر موضوعات مترتب می‌کنند و لذا اگر از همین جا نتوانیم حوزه تعامل بین علم و دین را به درستی تعریف کنیم، طبیعی است که در قدم‌های بعد دین منفعل خواهد بود.

نقطه ثقل ادعای علوم بر روی داعیه شناخت موضوع و توصیف صحیحی است که از آن به دست می‌دهند و از همین جا احکامی را صادر و بر موضوعات مترتب می‌کنند و لذا اگر از همین جا نتوانیم حوزه تعامل بین علم و دین را به درستی تعریف کنیم، طبیعی است که در قدم‌های بعد دین منفعل خواهد بود.

حجت‌الاسلام و المسلمین علیرضا پیروزمند، قائم مقام فرهنگستان علوم اسلامی در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا) در پاسخ به این پرسش که آیا می‌توان از مطالعات علمی‌ای که درباره دین انجام می‌شود، برای برقراری ارتباط بهتر میان علم و دین استفاده کرد، این امر را به نحو مشروط امکان‌پذیر دانست و اظهار کرد: مطالعات علوم در باب دین در یک حالت ممکن است به انحراف بیانجامد و در یک حالت هم می‌تواند موجبات برقراری ارتباطی مناسب میان علم و دین را فراهم کند.

مطالعه دین با جامعه‌شناسی غربی دین را به انحراف می‌کشان

پیروزمند بیان کرد: اگر ما با جامعه‌شناسی غربی و مادی‌انگار بخواهیم دین را مورد مطالعه قرار بدهیم، این نه تنها کمکی به دین و دینداری نمی‌کند، بلکه آن را به انحراف هم می‌کشان و آن را در جامعه منزوی هم می‌کند؛ چنان‌که این کار را در موضعی کرده است.

جامعه‌شناسی دینی می‌تواند از طریق تأثیرگذاری در مطالعات دین‌شناختی دینداری را تقویت کند

وی ادامه داد: اگر شما جامعه‌شناسی‌ای را تولید کردید که مبانی و آموزه‌های دینی و جایگاه و منزلت و اعتبار دین را به رسمیت شناخته و در پی آن خود را بازسازی یا تأسیس کرده باشد و سپس در یک چرخش دوباره، دینداری را از طریق این جامعه‌شناسی مورد مطالعه قرار دادید، در این جاست که جامعه‌شناسی دین می‌تواند به آسیب‌شناسی رفتار دینداران کمک کند؛ چه قطعاً جامعه دینی به دلیل ضعف در ایمان و انحرافات که به طور طبیعی در افراد به وجود می‌آید با ناهنجاری‌هایی رفتاری روبرو می‌شود و جامعه‌شناسی اسلامی می‌تواند این ناهنجاری‌های رفتاری را مورد مطالعه و بررسی قرار دهد و از این طریق هم در تقویت دینداری و هم در مطالعات دین‌شناسی تأثیرگذار باشد.

علیرضا پیروزمند:

اگر شما جامعه‌شناسی‌ای را تولید کردید که مبانی و آموزه‌های دینی و جایگاه و منزلت و اعتبار دین را به رسمیت شناخته و در پی آن خود را بازسازی یا تأسیس کرده باشد و سپس در یک چرخش دوباره، دینداری را از طریق این جامعه‌شناسی مورد مطالعه قرار دادید، در این جاست که جامعه‌شناسی دین می‌تواند به آسیب‌شناسی رفتار دینداران کمک کند

دین از طریق تأثیر بر غایات علوم نظام مسائل آن‌ها را متحول می‌کند

پیروزمند در مورد این‌که دین از چه طریق بر علم تأثیرگذار می‌شود، اظهار کرد: این تأثیرگذاری از مجاری مختلفی صورت می‌پذیرد و علم از جهات مختلفی تحت جاذبه معارف دینی قرار می‌گیرد؛ هم پیش‌فرض‌ها و مفاهیم بالادستی و مبانی علوم تحت تأثیر معارف دینی قرار می‌گیرد و هم غایات و اهدافی که در نظریه‌پردازی دنبال می‌شود، تحت تأثیر دین مورد تصرف قرار می‌گیرد و به دلیل این‌که همین غایات هستند که در ترکیب با شرایط عینی جامعه مسائل علوم را تولید و نظام مسائل آن‌ها را تعریف می‌کنند، با تأثیر غایات دینی، نظام مسائل علم هم تحت جاذبه فرهنگ دینی تفاوت پیدا خواهد کرد.

قائم مقام فرهنگستان علوم اسلامی افزود: روش علم و چگونگی تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات هم در مرتبه‌ای دیگر می‌تواند با تأثیر از دین شکل دیگری به خود بگیرد و بر این اساس علم می‌تواند تحت تأثیر جاذبه فرهنگ اسلامی با رویکرد متفاوتی به تولید علم بپردازد. اما تأثیرپذیری علم از دین از مجاری مختلف، یکنواخت و به یک اندازه نیست و اولویت‌ها هم در جای خود باید مورد بحث قرار بگیرد.

مطالعات دین‌شناختی علوم نمی‌توانند بیان‌کننده وجه علی دین و آموزه‌ها و احکام دین باشند

وی اظهار کرد: بنابراین مطالعاتی که در حوزه علوم انسانی درباره دین صورت می‌گیرد، تنها در صورتی که نخواهد به عنوان معیار صحت آموزه‌های دینی قرار بگیرد و نخواهد خود را بالا دست دین قرار بدهد و جایگاه خود را بالای دین تعریف کند، بلکه جایگاه خود را پائین دین تعریف کند و مؤیدات و قرائن و شواهد و نه عللی را برای دین یا آن چه که دین، از آموزه‌ها و احکام، بیان کرده است، تبیین کند، می‌تواند مثبت ارزیابی شود و این شدنی است؛ چه این‌که چنین چیزی در طول تاریخ علم هم اتفاق افتاده است.

علیرضا پیروزمند:

هم پیش‌فرض‌ها و مفاهیم بالادستی و مبانی علوم تحت تأثیر معارف دینی قرار می‌گیرد و هم غایات و اهدافی که در نظریه‌پردازی دنبال می‌شود، تحت تأثیر دین مورد تصرف قرار می‌گیرد و به دلیل این که همین غایات هستند که در ترکیب با شرایط عینی جامعه مسائل علوم را تولید و نظام مسائل آن‌ها را تعریف می‌کنند، با تأثیر غایات دینی، نظام مسائل علم هم تحت جاذبه فرهنگ دینی تفاوت پیدا خواهد کرد

پیروزمند ملاک دینی بودن نظریه‌های علمی را در تأثیرپذیری از مبانی و غایات و در مرحله بعد روش آن‌ها از معارف دینی دانست و در پاسخ به این که در صورت تفاوت موضوع در تعاریف این علوم و دین چگونه می‌توان به صورت مشخص این ملاک را لحاظ کرد؟ عنوان کرد: در صورتی که برای ما صراحت داشته باشد که این علوم موضوع را به گونه‌ای متفاوت با دین تعریف می‌کنند و شکل قلب‌شده و تغییر یافته‌ای به آن می‌دهند که با تعریف دینی آن موضوعات متفاوت است، همین می‌تواند معیاری باشد تا این علوم را مورد ارزیابی قرار دهیم.

غایات نه تنها بر داورهای علوم بلکه بر توصیفات آن‌ها نیز اثرگذارند

این محقق و پژوهشگر بیان کرد: در واقع توصیفی که از موضوع اتفاق می‌افتد مبتنی بر مبانی و غایات واقع می‌شود و اشتباه است که کسی تصور کند که مرحله تأثیرگذاری مبانی و غایات فقط به مرحله صدور حکم و ارزش‌گذاری اختصاص دارد. برای مثال توصیف تأثیرات نقدینگی در روابط اقتصادی به طور حتم متأثر از مبانی اتفاق می‌افتد و بدون هیچ پیش‌فرضی درباره پول، اشتغال و از همه مهم‌تر انسانی که می‌خواهد رفتار اقتصادی داشته باشد این تأثیر قابل توضیح نیست.

وی ادامه داد: در واقع در خود این توصیف که «؛وقتی نقدینگی افزایش پیدا می‌کند مردم زیاد کالا می‌خرند و این موجب گرانی می‌شود» توصیف مردم و جامعه‌ای با ویژگی‌های رفتاری خاص و به طور مشخص ویژگی يك جامعه مصرف‌گراست، اما معمولاً گفته می‌شود که در هر جامعه و هر فرهنگی چنین قاعده‌ای و قواعدی از این دست حاکم است، اما اگر جامعه‌ای بود که الگوی رفتار اقتصادی او این نبود که درآمد کسب کند تا آن را برای زرق و برق‌های زندگی خرج کند، لزوماً آن قاعده در مقام توصیف هم نادرست خواهد بود و در آن جامعه رشد نقدینگی به رشد تورم نخواهد انجامید و اگر هم گفته شود که جامعه غیرمصرف‌گرا نمونه عینی ندارد، این مطلب دلیل درستی ادعای طرف مقابل و نادرستی آن چه ما می‌گوئیم نخواهد شد.

پیروزمند افزود: بنابراین باید ابتدا گفت که کدام انسان را در نظر داریم تا سپس بتوان از رفتار اقتصادی او و روابطی که بر این رفتار او حاکم است سخن گفت و از این نکته این نتیجه حاصل می‌شود که مبانی و غایات نه تنها بر داورهای علوم بلکه بر توصیفات آن‌ها نیز اثرگذارند اما به دلیل این که این تأثیر نادیده گرفته می‌شود بر توصیفات به عنوان توصیفات صرف اعتماد می‌کنند؛ فلذا اصلاح در داورهای این علوم و تأثیرات آن‌ها باید از توصیفات آن‌ها و مبانی‌ای که آن توصیفات را شکل می‌دهند آغاز شود.

چگونگی تعیین تأثیر دین در شناخت موضوعات تخصصی

وی در مورد چگونگی تعیین این تأثیرگذاری‌ها در موارد تخصصی گفت: البته موارد زیادی هست که می‌تواند در آن‌ها چگونگی تأثیر دین در شناخت موضوع مورد پرسش قرار گیرد و در این موارد و به شکل جزئی افراد واجد صلاحیت باید نظر بدهند اما آن چه که در کلیت بحث باید مورد توجه قرار گیرد این است که نقطه ثقل ادعای علوم بر روی داعیه شناخت موضوع و توصیف صحیحی است که از آن به دست می‌دهند و از همین جا احکامی را صادر و بر موضوعات مترتب می‌کنند و لذا اگر از همین جا نتوانیم حوزه تعامل بین علم و دین را به درستی تعریف کنیم و مرحله توصیف را تام و تمام به علم بسپاریم طبیعی است که در قدم‌های بعد منفعل خواهیم بود و حرف چندان برای گفتن نخواهیم داشت.

پیروزمند بیان کرد: در مواردی بررسی موضوع باید به شکل جزئی و مشخص و مورد به مورد انجام شود ضمن این که ممکن است در جایی تأثیر و تأثرات شدت کمتری داشته باشد و جایی شدت بیشتر و جایی با واسطه این اتفاق بیفتد و جایی واسطه‌ای در کار نباشد. همچنین ممکن است در مواردی شما از موضوع صرف نظر کنید و خودت را مبتلا به آن احساس نکنید و اساساً خود را با آن درگیر نکنید؛ صرف نظر از این که بخواهیم حکمی در مورد شبیه‌سازی بدهیم اگر فقط به عنوان يك مثال به آن نگاه کنیم ممکن است ما

موضوعیتی برای مطالعه آن از برخی جهات نبینیم و نخواهیم خود را با آن درگیر کنیم اما جامعه‌ای دیگر با اخلاق دیگر و مقاصدی دیگر آن را خیلی هم ضروری بدانند و نیاز به مطالعه آن داشته باشد؛ ممکن هم هست که ما آن را ضروری بدانیم اما قیوداتی به آن بزنیم و شرایطی خاص را برای آن تعریف کنیم که در جای خود و به شکل مشخص باید مورد بررسی قرار گیرد.

بررسی مبانی دینی تأثیرگذار در علم و چگونگی این تأثیرگذاری در معرفت‌شناسی علم و دین

قائم مقام فرهنگستان علوم اسلامی در پایان با بیان این که سنجش مبانی اصولی را باید در حوزه مباحث مربوط به معرفت دینی و احراز حجیت در معرفت دینی پی گرفت اظهار کرد: در نهایت سر رشته این بحث به معرفت‌شناسی علم و معرفت‌شناسی دین می‌رسد و اگر در قالب معرفت‌شناسی علم به این مسئله که چگونه مبانی در مرحله توصیف تأثیرگذارند بپردازیم بهتر می‌توانیم آن را مورد بررسی قرار دهیم؛ چه این که در فلسفه علم رایج نیز بسیار به بررسی این مسئله پرداخته‌اند و بحث‌های مفصلی در این رابطه شده است و خود غربی‌ها هم به میزان زیادی اذعان دارند که پارادایم‌ها و پیش‌فرض‌های حاکم و شرایط اجتماعی چه در مقام داوری و چه در مقام گردآوری بر علمی که حاصل می‌شود تأثیرگذار هستند.